

## وحدت؛ گفتمانی در بستر ادبیات پایداری؛ با تأملی در شعر معاصر فارسی و عربی

فاروق نعمتی\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۹

### چکیده

دعوت به وحدت و انسجام ملی، از درونمایه‌های اصلی در ادب پایداری است. از همین رو، یکی از گفتمان‌های مورد توجه در میان شاعران بیداری اسلامی در شعر معاصر فارسی و عربی، موضوع اتحاد و دعوت همگانی به همبستگی و تشکیل صف واحد در برابر دشمنان است. این مقوله مهم سیاسی-اجتماعی که سرچشمه‌های اصلی آن، رهنمودهای قرآن کریم و احادیث نبوی(ص) است، در دوره معاصر و در سروده‌های شاعران دو زبان، بازتاب گسترده‌ای دارد؛ به نحوی که این شاعران، عامل اتحاد در زمینه‌های دینی و نیز ملی را یکی از اصلی‌ترین عوامل پیروزی و موفقیت مسلمانان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی خود می‌دانند. در این جستار با گذری بر اشعار مهم‌ترین سرایندهگان معاصر فارسی و عربی در عرصه ادب پایداری، به بررسی و تحلیل دیدگاه آنان درباره مسأله وحدت خواهیم پرداخت. رهیافت این پژوهش گویای آن است که این شاعران، ضمن برشمردن خطرات تفرقه و دودستگی، اتحاد را در دو حوزه اسلامی و ملی آن، اساس رسیدن به اهداف و شکست توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن می‌دانند.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، وحدت، شعر معاصر، ادبیات پایداری، ادبیات تطبیقی.

## مقدمه

یکی از تاریخ‌نگاران معروف انگلیسی به نام *آرنولد توینبی*، در بررسی خود از تمدن‌ها، برانگیخته شدن دوباره روح نظام اسلامی را موجب عقب‌نشینی دوباره سلطه غرب از سرزمین‌های اسلامی می‌داند؛ او در این باره می‌گوید: «پان‌اسلامیزم خوابیده است؛ اما اگر مستضعفین جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته، بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است، در برانگیخته شدن نظام اسلامی مؤثر افتد و اسلام بار دیگر، برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند» (به نقل از: ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

بر همین اساس، یکی از شاخصه‌های اصلی در بحث بیداری ملت‌ها و مقاومت آن‌ها در برابر دشمن، موضوع وحدت و انسجام ملی است و همواره یکی از روزنه‌های نفوذ دشمن در پیکره یک ملت و ضربه زدن به آن، ایجاد تفرقه و دودستگی در میان مردم بوده است. از همین رو، «زمانی که عامل‌های خارجی، هویت یک جامعه یا قوم را تهدید می‌کند، عنصر اساسی برای زندگی آن، "وحدت" است» (زینی‌وند و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳۵). موضوع وحدت هرچند در قرآن کریم و آموزه‌های دینی و روایی، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ ولی در گستره شعر معاصر فارسی و عربی و به ویژه در میان شاعران ادب پایداری نیز بازتاب قابل توجهی دارد و هر یک از این سراینده‌گان، به بیان اهمیت این مقوله و خطرات فقدان آن پرداخته‌اند. این شاعران با درک درست از موضوع وحدت، به تبیین جایگاه مهم آن در دو حوزه اسلامی و ملی پرداخته‌اند که این مقاله، به شیوه تحلیلی-توصیفی، به بررسی برخی از اشعار این سراینده‌گان می‌پردازد و رویکرد آنان را در زمینه وحدت که از عوامل مهم در رویارویی یا جبهه دشمنان است، مورد کنکاش قرار می‌دهد.

## بیان مسأله

با نگاهی به تاریخ مبارزات کشورهای اسلامی بر علیه استعمار و اشغالگری، متوجه این موضوع می‌گردیم که یکی از عوامل مهم در ضعف یک ملت و غلبه دشمن بر آن، ایجاد تفرقه و از هم‌گسستگی مردم است؛ به نحوی که نبود وحدت میان آنان، مسیر را

برای نفوذ و سلطه دشمنان هموار خواهد کرد. از همین رو، یکی از دغدغه‌های مصلحان دلسوز و از جمله شاعران بزرگ معاصر فارسی و عربی در بستر ادب مقاومت، تأکید بر امر وحدت و توصیه همگانی به رعایت آن است. به همین دلیل، آشنایی با نظرات این گونه از سرایندهگان با موضوع اتحاد اسلامی و ملی، می‌تواند مخاطبان را با نگاه این شاعران به مقوله وحدت آشنا سازد.

### پیشینه پژوهش

مقالات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با موضوع وحدت و مسائل مربوط به آن به نگارش در آمده است؛ اما درباره آن در حوزه شعر معاصر، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای که به صورت مستقیم، مسأله وحدت را در شعر معاصر عرب مورد واکاوی قرار داده، مقاله «وحدت اسلامی و نقش شعرای معاصر عرب در تحکیم آن» از لیلیا قاسمی و محمد مظاهری (نقد ادب معاصر عربی، ۱۳۹۲، صص ۹۵-۱۲۰) است که در این مقاله، تنها به ذکر ابیاتی چند از برخی شاعران گمنام در اشعار معاصر عرب پرداخته شده است. از همین رو طبق بررسی‌های صورت گرفته، تا کنون پژوهشی تطبیقی از موضوع وحدت و بازتاب آن در شعر معاصر فارسی و عربی انجام نگرفته است. پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل زاویه نگاه شاعران بیداری اسلامی در شعر معاصر عربی و فارسی، می‌کوشد به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

- شاعران معاصر فارسی و عربی، چه رویکردی به مقوله وحدت دارند؟
- شاعران دو زبان در پرداختن به موضوع اتحاد دینی- ملی، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

### بحث

وحدت در لغت عبارت است از یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق (ایرانی، ۱۳۸۸: ۷۱). این کلمه در مقابل دو واژه مذموم اختلاف (ناسازگاری) و تفرقه (پراکنده نمودن) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۳۹: ۳۸۵/۴). گفتمان‌های متنوع و متفاوتی در رابطه با شاخصه‌ها و مؤلفه‌های وحدت و همبستگی

وجود دارد و عناصر شکل دهنده آن می‌تواند بر پایه‌های مختلفی در یک جامعه شکل گیرد. این عناصر وحدت‌ساز ملی گاه می‌تواند «ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف و درد مشترک و دین مشترک» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶) باشد و گاه نیز می‌تواند در دایره «فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان» (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۳) قرار گیرد. در ادامه به بررسی رویکرد برخی از شاعران معاصر فارسی و عربی به مقوله وحدت و نقش آن در گفتمان مقاومت در برابر دشمن خواهیم پرداخت.

### گفتمان وحدت در شعر معاصر فارسی

در این قسمت، با دیدگاه‌های پنج شاعر معاصر فارسی که نقش مهمی در نهضت بیداری ملت خود داشته‌اند، در حوزه وحدت اسلامی - ملی آشنا شده و به تحلیل آن خواهیم پرداخت:

#### خلیل الله خلیلی

خلیل الله خلیلی، شاعر معاصر افغان، بر عنصر وحدت و دوری از تفرقه مذهبی و قومی در افغانستان، به عنوان عاملی در جبهه روبرویی با دشمن تأکید دارد. او با درک این مطلب که مردم افغانستان، دارای تنوع مذهبی هستند، مسلمانان اعم از سنی و شیعه را به داشتن اتحاد و برادری توصیه می‌کند:

بر مسلمانان مگر از دین حمایت فرض نیست؟

پیرو توحید را با هم صداقت فرض نیست؟  
بهر این ناموس عظمی درس غیرت فرض نیست؟

در جهاد حق، مگر بر ما اخوت فرض نیست؟  
(خلیلی، ۱۳۷۸: ۴۱۸)

در جایی دیگر نیز اتحاد را مایه تقویت جهاد و مبارزه دانسته و با تکرار واژه «اتحاد»، بر اهمیت فزاینده آن در نهضت اسلامی افغانستان تأکید می‌کند:

ملت ورزیده بالغ نظر  
خود شناسد راه خیر و راه شر  
خود به خود داند که نیروی جهاد  
اتحاد است اتحاد است اتحاد  
(خلیلی، ۱۳۷۸: ۱۶۶)

علاوه بر مبارزه با اختلافات مذهبی، خلیلی با هر گونه از هم گسستگی قومی و نژادی نیز در افغانستان مخالف است؛ چراکه سیاست اصلی استعمار در طول تاریخ، بر نقشه «فرق تسد»؛ تفرقه بینداز و حکومت کن، استوار بوده است؛ از این رو، شاعر با درک چنین توطئه‌ای در کشورش، خطاب به همه اقوام افغان می‌گوید:

هزاره کیست، پشتون کیست، تاجیک کیست، ازبک کیست؟

اساس فرقه بازی‌های استعمار را بشکن  
(همان: ۲۷۸)

### اقبال لاهوری

اقبال لاهوری که گستره اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه‌اش، از شبه قاره فرا رفت و به گفتمانی جهانی در میان دیگر اندیشمندان و ادیبان قرار گرفت، با سروده‌های خود همواره بر نقش اتحاد مسلمانان در رسیدن به اهداف خویش تأکید می‌کرد و در راستای ایجاد اتحاد در جامعه اسلامی، راهکارهایی ارائه نمود. «با نگاهی اجمالی به اندیشه اقبال می‌توان دریافت که آرزوی اقبال در تمام عمر، دیدن مسلمان و جامعه اسلامی مقتدر بود» (امیری خراسانی و احسانی، ۱۳۹۳: ۴). از دیدگاه وی، «مسلمان حقیقی آن مسلمانی است که پیروز و قدرتمند باشد و در خود احساس ضعف و ناتوانی نکند» (لاهوری، ۱۳۸۲: ۴۱). اقبال با انتقاد از جدایی بر مبنای جنسیت، آن را امری حرام دانسته و همه را پرورده یک نوبهار می‌داند:

نه افغانیم و نی ترک و تتریم  
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است  
چمن‌زادیم و از یک شاخساریم  
که ما پرورده یک نوبهاریم  
(لاهوری، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

وحدت مسلمانان در نظر اقبال، مانعی در برابر نقشه‌های دشمن بود و وی «این احساس را هم داشت که برای محفوظ ماندن از استعمار سیاسی و اقتصادی و تکنولوژی (نابودگر) کشورهای پیشرفته، اقوام جهان سوم باید یک اتحاد و جمعیت واحدی را به وجود آورند» (اقبال، ۱۳۶۵: ۴۶). اقبال اتحاد مسلمانان را در همه چیز متبلور می‌دانست

و با اقتباس معنایی از آیه مبارکه ﴿فَأَصْبَحَتْ مِ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران/۱۰۳)، نگاه، اندیشه، هدف و خیال مسلمانان را در یک جهت و مسیر می دانست:

تیر خوش پیکان یک کیشیم ما  
مدعای ما مآل ما یکی است  
یک نما یک بین یک اندیشیم ما  
طرز و انداز خیال ما یکی است

ما ز نعمت‌های او اخوان شدیم

یک زبان و یک دل و یک جان شدیم

(لاهوری، ۱۳۸۷: ۵۶)

اقبال، «ناسیونالیسم افراطی در اندیشه نویسندگان معاصرش را زاده و پرورده سیاست‌های استعماری غرب می‌داند» (امیری خراسانی و احسانی، ۱۳۹۳: ۲۲) و از نظر وی، قلمرو وحدت و انسجام اسلامی بر ایمان و عقیده استوار است و نه بر مرز و بوم جغرافیایی؛ بر همین اساس، «وی معتقد است که وطن‌پرستی جغرافیایی، مکر و نیرنگی است که از جانب مغرب‌زمین به ساکنان سرزمین‌های شرق القا شده است» (همان: ۱۰) و پای‌بندی به جغرافیا و محدود شدن به سرزمین مشخص و نیز حسب و نسب را موجب تفرقه میان مسلمانان دانسته و چنین می‌سراید:

گر نسب را جزو ملت کرده‌ای  
رخنه در کار اخوت کرده‌ای

در زمین ما نگیرد ریشه‌ات

هست نامسلم هنوز اندیشه‌ات

(لاهوری، ۱۳۸۷: ۸۹)

### ملک الشعراى بهار

بهار شاعری است که نمی‌توان جایگاه او را در بیداری ملت ایران و اتحاد و همبستگی دینی و قومی آنان، نادیده گرفت. او همه ممالک اسلامی را با وجود آئین احمدی (ص) و وجود قرآن کریم، یکپارچه و متحد می‌داند و معتقد است که اگر مسلمانی در گوشه‌ای از جهان بگرید، در گوشه‌ای دیگر، مؤمنی با او همدردی نموده و ناله سر خواهد داد:

هند و ترکیه و مصر و ایران  
تونس و فاس و قفقاز و افغان

در هویت دو، اما بدین، یک  
مختلف تن، ولی متحد، جان

جملگی پیرو دین احمد  
جملگی تابع نص قرآن  
مسلمی گر بگردید به طنجه  
مؤمنی نالد اندر بدخشان  
آری این راه و رسم عباد است  
روز یک‌رنگی و اتحاد است  
(بهار، ۱۳۵۴: ۱۵۱/۱)

از دیدگاه بهار، داشتن اتحاد و پای‌بند بودن به مکتب، دو عامل اساسی برای دستیابی مسلمانان به عزت و سربلندی است. او از هم‌کیشان خود می‌خواهد که اختلافات مذهبی را کنار نهند تا ثروت، ملک و آبرو و ناموس خود را بازیابند:

ثروت و ملک و ناموس و مذهب  
چار چیز است در ما مرکب  
ثروت و ملک و ناموس ما را  
برده این اختلافات مذهب  
اختلافات مذهب در اسلام  
روز ما را سیه کرده چون شب  
عزت ما به دو چیز بسته است  
اتحاد اول و بعد مکتب  
کاین دو اول طریق رشاد است  
روز یک‌رنگی و اتحاد است  
(همان: ۱۳۵۴: ۱۵۱/۱)

بهار به دنبال ایجاد وحدت در جهان اسلام است. او با نفی اختلاف میان شیعه و سنی، آنان را دارای یک هدف و مقصود دانسته و اختلافات میان آن دو را غیر منطقی و زیان‌آور می‌داند.

بهار از امت اسلامی می‌خواهد که همچون آمریکایی‌ها و مسیحیان که با قبول تفاوت‌های مذهبی، تفرقه و دودستگی را کنار گذاشتند، با متحد شدن و انسجام دینی، پیشرفت و تعالی را به دست آورند:

ای کاش، ای کاش! گر اسلامیان  
ای همگی پیرو دین قدیم  
سنی و شیعه ز که و کیستند؟  
رسم دونی را ببرند از میان  
ای پسران پدران قدیم!  
جمله مسلمان و ز یک مذهبند  
در پی آزار هم از چیستند؟  
ره یک و معبد یک و معبود یک  
دین یک و مقصد یک و مقصود یک  
دامن جهل و دودلی برزده  
جمله یکید، ای ز یکی سر زده  
پند پذیرید ز امریکیان  
پند پذیرفتن نارد زیان

عیسویان کاین علم افراختند متحدانه به جهان تاختند  
(همان: ۱۴۱-۱۴۲)

بهار بر این باور است که ملت اسلام دارای دشمنان بسیار است که در طمع زیان رساندن به سرزمین و دین آنان هستند؛ پس در این راه خطیر، تنها راه چاره، ملتزم بودن به وحدت و همبستگی است (همان: ۱۴۵).

### ادیب الممالک فراهانی

«ادیب الممالک را می توان در کنار منادیان بزرگ وحدت در دوره بیداری، یعنی سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ احمد روحی، محمد عبده و اقبال لاهوری قرار داد» (حاتمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۲). این شاعر متعهد و واقع‌گرای دوره مشروطه، خطر تفرقه و جدایی را به هم‌وطنان خود گوشزد نموده و سعی دارد تا با طرح اشتراکات دینی و ملی، گام‌های اساسی در راه پیوند و نزدیکی مردم بردارد. *ادیب الممالک* در ضمن قصیده‌ای به مناسبت جنگ روس و ژاپن، نقش مهم اتحاد و همبستگی را به مردم ایران خاطرنشان ساخته و وحدت کلمه را همچون دریایی می‌داند که می‌تواند به هر هدف و مقصدی نائل آید:

غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست

چراکه قطره چو شد متصل به هم دریاست

ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت

هر آنچه نفع تصوّر کنی در او گنجاست

(فراهانی، ۱۳۸۶: ۲/۲۴۱)

*ادیب الممالک* در ابیاتی دیگر، اتحاد را سپری برای دانش دانسته و آن را در برابر خطرات دشمنان، مانع مهمی می‌داند که نقشه‌های آنان را بی‌اثر خواهد ساخت. شاعر همچنین، یکی از احادیث نبوی را در رابطه با اهمیت وحدت، بیان می‌دارد:

به اتحاد گرایید و سیل را نگرید که هیچ نیست بجز قطره‌قطره‌های مطر

به اتحاد گرایید و اتفاق کنید که اتحاد شما کم کند ز کفر اثر

(فراهانی، ۱۳۸۶: ۲/۲۴۱)



## طاهره صفارزاده

با بررسی سروده‌های طاهره صفارزاده، می‌توان یکی از ابعاد اسلام‌گرایی وی را «تأکید و توجه به وحدت مسلمانان» دانست (رک به: سامخانی و مدنی‌ایوری، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۵). وی در شعر «سپیدی صدای سیاه» از مجموعه «دیدار صبح»، با تلمیح و اشاره‌ای به این آیه شریفه که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات/۱۳)، یک‌رنگی و وحدت مسلمانان و در مقیاسی بزرگ‌تر، یکی بودن «جهان» را به ما نشان می‌دهد. صفارزاده با نام بردن از سه صحابی حضرت محمد(ص) یعنی بلال حبشی، صهیب رومی و سلمان فارسی که هر کدام زاینده یک منطقه بوده‌اند، اجتماع وحدت‌آفرین آن‌ها را علامت همدلی می‌داند:

«بلال / در جوار رسول(ص) آمده / هم در جوار او / صهیب سر زده از روم / سلمان / فرا رسیده از فارس / تا انزوای رنگ / نهاد یک‌رنگی باشد / و در مراسم یک‌رنگی‌ها / کلام ناب اذان را / همراه با خزانه بیت‌المال / به آن سیاه / که پرونده‌اش سپید بود سپردند / که برترین انسان / انسان رهرو تقواست...» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۶۰)

صفارزاده یکی از عوامل پیروزی انقلاب مردم ایران را وحدت و همدلی می‌داند و به فضای حاکم بر روزهای انقلاب اشاره دارد که همه مردم با اتحاد کامل، به هدف خود رسیدند؛ شاعر هم‌وطنان انقلابی را در وحدت خود با مجاهدان غزوه بدر همراه می‌داند: «در ابتدای هر حرکت / در ابتدای هر کوچه / الله اکبر است / در انتهای هر نعره اُشهد أن لا إله إلا الله / با هر گلوله پیوند می‌خورند / این اهل وحدت / با اهل بدر / و داغ‌شان داغ است / ای داغداران / باور کنید شما هم اهل بهشتید» (همان: ۳۱)

## گفتمان وحدت در شعر معاصر عربی

شاعران بیداری اسلامی در شعر معاصر عرب، به دلیل اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی و تلاش استعمار و دشمنان برای سلطه بر آن‌ها، یکی از عوامل شکست را تفرقه دانسته و بر همواره بر اتحاد فراگیر میان مسلمانان تأکید داشته‌اند. اکنون به بررسی اشعار چهار شاعر بزرگ معاصر عرب در این باره می‌پردازیم.

### عبد المحسن کاظمی

از سرایندگان مشهور معاصر در عراق که اهمیت بسیاری به مقوله وحدت و یکپارچگی در میان امت اسلامی و دولت‌های عربی می‌دهد، عبد المحسن کاظمی است. وی «ایمان داشت به اینکه همه عرب‌ها، یک ملت هستند و سرزمینی که قومی در آن ساکن هستند، دارای ارزش و اعتباری نیست؛ چراکه چه در مصر، یا یمن، یا حجاز و یا هر منطقه‌ای دیگر از سرزمین‌های عربی باشی، تو انسانی عربی هستی» (غیاض، ۲۰۰۸: ۱۲۳). او همه سرزمین‌های عربی را به یک میزان ارزش دانسته و با وجود وحدت و یگانگی قلب‌ها، دور بودن جسم‌ها، اهمیتی ندارد:

جَمِيعُ الْبِلَادِ الْعَرَبِ فِي الْقَدْرِ وَاحِدٌ      إِذَا وَزَنُوا الْبُلْدَانَ يَوْمًا وَقَدَرُوا  
إِذَا نَحْنُ وَحَدْنَا الْقُلُوبَ فَلَمْ نَبْلُ      إِذَا مَا غَدَتْ أَجْسَامُنَا تَتَّبَعَثُ

(الکاظمی، ۱۹۴۰: ۲۴۴/۱)

- همه سرزمین‌های عربی، هرگاه سرزمین‌ها را سنجش کرده و ارزش آن‌ها را تعیین کنند، به یک میزان و ارزش و اعتبار هستند. هرگاه ما بتوانیم دل‌ها را نزدیک و یگانه گردانیم، دیگر اهمیت نمی‌دهیم به اینکه جسم‌های ما از هم پراکنده باشد

بر همین اساس کاظمی اعتقاد داشت که همه اعراب، یک ملت واحدند؛ وی ایمانی به مرزبندی‌های جغرافیایی نداشت و اینکه چه کسی در چه کشوری ساکن است. او اعتقاد داشت که عرب، عرب است چه در مصر، یمن، حجاز یا هر سرزمین عربی دیگر باشد:

إِلَى الْعَرَبِ الْكِرَامِ بِكُلِّ أَرْضٍ      أَمَدَ يَدِي وَأَطْلَقُ مِنْ لِسَانِي  
وَمَا أَرْضُ «الْعِرَاقِ» لِمَنْ جَنَاهَا      وَأَرْضُ «الشَّامِ» إِلَّا جَنَّتَانِ  
إِنْ ائْتَلَفَا فَقَبْلَهُمَا رَأِينَا      تَأَلَفَ فِي السَّمَاءِ الْفِرْقَدَانِ  
أَوْ ائْتَلَفَا فَإِنَّهُمَا يَدَانِ      عَلَي نَصْرِ الْحَقِيقَةِ تَعْمَلَانِ  
جَمِيعُ الْعَرَبِ إِخْوَانٌ: فَهَذَا      لِهَذَا فِي الْعُلَى أَقْوَى ضِمَانِ

(همان: ۱۱۱/۱)

- به سوی تمام اعراب بزرگوار در هر سرزمینی از این کره خاکی دستانم را دراز می‌کنم و زبانم را رها می‌گذارم. سرزمین‌های عراق و شام برای کسی که

بخواهد از آنان بهره‌ای بچیند چیزی جز دو بهشت نیستند. اگر با هم ائتلاف پیدا کنند(این امر ممکن است) پیش از این ائتلاف ستارگان فرقدان را در آسمان دیده‌ایم. یا اینکه اگر از هم جدا باشند به درستی که آن دو همچون دستانی هستند که در راه یاری دادن حقیقت کار می‌کنند. تمام اعراب با هم برادرند آنان برای یکدیگر در رسیدن به اوج و ترقی ضامن‌هایی قوی هستند

### مصطفی غلایینی

اتحاد و همبستگی میان آحاد مختلف مردم، یکی از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که به عنوان یک نظریه و استراتژی و برنامه، همواره مورد تأکید مصطفی غلایینی، مصلح و شاعر بزرگ معاصر لبنان بود. موضوع وحدت در نگاه وی، خودآگاهی نسبت به منافع مشترکی است که برتری و عظمت را به ارمغان می‌آورد. او در مقدمه یکی از کتاب‌هایش به نام «أریح الزهر»، ترک و عرب را در جامعه اسلامی، برادر هم دانسته و چنین اتحادی را مایه پیشرفت کشور، عزت وطن و خوشنودی خدا و رسولش(ص) می‌داند:

فَالْتُرْكُ وَالْعَرَبُ إِخْوَانٌ وَجَامِعَةٌ	الدِّينِ الْخَنِيفِيَّ ضَمَّتْهُمْ حَنَايَاهَا
فَمَنْ يَمُدُّ يَدَيْهِ كَيْ يَفْرَقَهُمْ	شَلَّتْ يَدَاہُ فَعَن سَبِيلِ الْهُدَى تَاهَا
فَالْأَتْحَادُ بَيْنِ الْأَوْطَانِ فَهَوَ لَنَا	عَزٌّ بِهِ تَرْدُ الْأَوْطَانِ سُقْيَاهَا
إِنَّ اتِّحَادَكُمْ تَبْغُونَ تَرْقِيَةً	الأَوْطَانِ يُرْضِي رَسُولَ اللَّهِ وَاللَّهِ

(الغلایینی، ۱۹۱۱: ۱۵)

- ترک و عرب برادرند و جامعه اسلامی و یکتاپرست، آنان را در آغوش خود می‌گیرد. پس هر آن که دست خود را برای تفرقه آنان به کار گیرد، دستش بریده باد و از راه هدایت گمراه گردد! ای فرزندان وطن! اتحاد شما موجب عزت‌مندی کشور و رسیدن وطن به اهدافش خواهد شد. این همبستگی شما که خواهان پیشرفت وطن هستید، سبب خوشنودی خدا و رسولش می‌شود از طرف دیگر، «اسناد تاریخی نشان می‌دهد، هرگاه مسلمانان در مقاطع مختلف تاریخ، وحدت کلمه خود را حفظ کرده بودند، پیروزی نصیب آنان شده و به آسانی بر

مشکلات خود فایق آمده‌اند» (بنگرید: رضانی، ۱۳۸۳: ۶۶). غلایینی نیز با درک چنین واقعیتی، در ابیاتی دیگر و با تأکید مجدد بر امر وحدت، رسیدن به آرزوها و آرمان‌های والا را تنها در همبستگی ملت می‌داند و از هم‌وطنانش می‌خواهد که هیچ گاه ریسمان محکم برادری خود را رها نکنند و با همبستگی ملی، در مسیر کمال گام بردارند:

بَنِي وَطَنِي، أَنْتُمْ عَلَى الدَّهْرِ إِخْوَةٌ      فَلَا تَدْعُوا حَبْلَ الْأَخُوَّةِ وَاهِيَا  
دَعُوا الْخُلْفَ، وَامشُوا لِلْعُلَا مِشِيَةَ الْهُدَى      جَمِيعًا، تَنَالُوا بِالْوَفَاقِ الْأَمَانِيَا  
(الغلایینی، ۱۹۹۳: ۶۳-۶۴)

- ای فرزندان وطنم! شما در طی روزگار، برادران هم بودید؛ پس ریسمان برادری را با ضعف و سستی رها نکنید! اختلاف را کنار بگذارید؛ و همگی در مسیر هدایت، به سوی بزرگی و کمال گام بردارید؛ تا با همبستگی خود به آرزوها دست یابید

وی در خطاب خود به ملت فلسطین، از آنان می‌خواهد که اختلاف و تفرقه را کنار بگذارند؛ چراکه چنین امری موجب ناراحتی دوستان و شادی دشمنان می‌گردد. همچنین موجب ضعف قدرت آنان و از میان رفتن شوکت و هیبت آن‌ها خواهد شد. از نظر شاعر، از میان رفتن اتحاد یک ملت، سبب خواهد شد که دشمنان، تمام قوای خود را برای نابودی آن ملت به کار ببندند:

تَفَرَّقَ أَمْرُكَ بَعْدَ اجْتِمَاعِ      فَسَاءَ الْأَصِيلُ، وَسُرَّ الدَّخِيلُ  
(همان: ۱۰۵)

- پس از آن همبستگی، کار و بارت به تفرقه انجامید؛ پس به سبب آن، دوست اندوهناک گردید و بیگانه و دشمن، شادمان شد.

### محمد حسین فضل الله

پرداختن به مقوله وحدت اسلامی، از اصلی‌ترین موتیف‌های شعری در سروده‌های محمد حسین فضل الله، شاعر بزرگ لبنانی، است. «منظور او از وحدت اسلامی، وحدت میان مذاهب نیست؛ بلکه منظور این است که مسلمانان در موضوعات مشترک همچون مسأله فلسطین در برابر دشمن خارجی، وحدت داشته باشند» (غسان، ۲۰۰۱: ۱۶۴). وی

بازگشت دوباره به اندیشه‌های اسلامی و شکل‌گیری وحدت میان امت اسلامی را راهی برای رهایی از ظلم و ستم می‌داند؛ «زیرا از دیدگاه او این اسلام است که به مسلمانان عزت و کرامت داده است و اسلام را سبب آزادی مسلمانان می‌داند» (مهتدی، ۱۳۹۵: ۳۸۸). او بر این باور است که عقیده اسلامی، همه تفرقه‌ها و اختلافات موجود را از میان می‌برد و بزرگی تنها با تقوی و جهاد به دست می‌آید، نه با مسائل نژادی، زمین و تاریخ: «شعارنا... انا هنا نُوحِدُ الإلهَ / إسلامنا تحررٌ ومبدأُ اعتناقٍ / لا عنصریاتٍ ولا مبادئٍ انشقاقٍ / لکنها عقیدهٌ تُحطِّمُ الشقاقَ / وتلعنُ النفاقَ / المجد لل تقوی... وللجهاد فی السباق / لا الدَّمُ ... لا الأرضُ ... ولا التاريخ» (فضل الله، ۲۰۰۱: ۱۲۱)

- شعار ما این است که ما به یکتایی خدا ایمان داریم / اسلام ما آزادی و سرآغاز رهایی است / نه نژادپرستی و نه آغاز تفرقه / اما آن عقیده‌ای است که تفرقه را از میام برمی‌دارد / و نفاق و دورویی را نفرین می‌کند / بزرگی با تقوی و جهاد در میان جهاد حاصل می‌شود / و نه با خون (نسب) ... و نه زمین ... و نه تاریخ محمد حسین فضل الله، همگان را برادر هم دانسته و از همه می‌خواهد که گام‌های خود را منسجم بردارند:

«نَحْنُ إِخْوَةٌ وَعَلَامُ الْحِقْدِ وَالْبَغْضَاءِ يَحْدُونَا بِقَسْوَةٍ / فَلْنُوْحِدْ خَطُونَا» (همان: ۱۳۵)

- ما برادریم / و تا به کجا، کینه و دشمنی، ما را به خشونت وا می‌دارد / پس باید گام خود را یکی کنیم

این ادیب معاصر لبنانی، ریخته شدن خون شهید را موجب شکل‌گیری وحدت در میان امت اسلامی می‌داند و معتقد است که شهید، منادی وحدت و همبستگی میان مردمان است؛ چون تنها با اتحاد است که می‌توان بر ستمگران و حاکمان ظالم که خون شهیدان را می‌مکند، پیروز شد:

«إِلَى الْأُمَّةِ الْوَاحِدَةِ / دِمَاءٌ دِمَاءٌ دِمَاءٌ / وَيَبْقَى هُنَا الْوَحْشُ يَعْوِي وَيَعْوِي / لِيَمْتَصَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ هُنَا / دِمَاءٌ جَدِيدَةً» (همان: ۱۶۵)

- به سوی امتی متحد و یکپارچه / خون، خون، خون / اینجا انسان وحشی و درنده باقی می‌ماند که مُدام پارس می‌کند / تا اینجا هر روزی، خون‌های جدیدی را بمکد

## معروف رصافی

معروف رصافی، شاعر متعهد عراقی، رویکرد وحدت‌گرایانه در اشعار خود دارد. او «پیروان ادیان را به کنار نهادن اختلافات میان همدیگر دعوت می‌نماید و اتحاد و همدلی در میان همه مردم را یک ضرورت می‌داند» (آلبویه لنگرودی و ناطق تجرق، ۱۳۹۳: ۴۶). رصافی معتقد است که کینه‌توزی و دشمنی به خاطر اختلاف در دین، نوعی تجاوز آشکار است و برای ایجاد وحدت، سه عامل زبان، سرزمین و ایمان به خداوند، کافی خواهد بود؛ به همین دلیل وی در قصیده «فی سبیل الوطن»، مسیحیان را برادر خود خوانده و قرآن کریم و انجیل را در راستای دستیابی به همین اتحاد و برادری می‌داند:

عَلَامَ التَّعَادِي لاختلافِ دِيَانَةِ	وَإِنَّ التَّعَادِي فِي الدِّيَانَةِ عُدْوَانُ
إِذَا الْقَوْمُ عَمَّتْهُمْ أُمُورٌ ثَلَاثَةٌ	لِسَانَ وَأُوطَانَ وَبِاللَّهِ إِيْمَانُ
فَأَيُّ اعْتِقَادٍ مَانِعٌ مِنْ أَخُوَّةٍ	بِهَا قَالَ إِنْجِيلٌ كَمَا قَالَ قُرْآنُ

(رصافی، ۱۳۹۹: ۲/۲۳۷)

- به دلیل اختلاف در دین، تا کی دشمنی باشد؟! چراکه کینه‌توزی و عداوت در دین‌داری، نوعی ظلم و تجاوز است. هرگاه سه چیز زبان، سرزمین و ایمان به خدا، در میان قومی مشترک باشد. پس کدام اعتقاد، از برادری که انجیل همچون قرآن نیز بدان سفارش می‌کند، مانع می‌گردد؟!

رصافی در ابیاتی دیگر، مسلمانان را به اتحاد و هم‌دلی در برابر استعمار انگلیس می‌خواند و با بهره‌گیری از آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)، ریسمان محکم برادری و ایمان را بهترین دستاویز برای نیل به پیروزی در برابر دشمن می‌داند:

قُلْ لِمَنْ رَامَ صَدْعَنَا بِشِقَاقٍ	أَنْتَ كَالْوَعْلِ نَاطِحُ الصَّفْوَانِ
وَيَكُ أَنْ الْإِسْلَامَ أَوْجَدَ فِينَا	وَخُدَّةً مِثْلَ وَخُدَّةِ الرَّحْمَنِ
فَاغْتَصَمْنَا بِحَبْلِ وَثِيْقٍ	هُوَ حَبْلُ الْإِخَاءِ وَالْإِيْمَانِ

(همان: ۲/۴۳۵)

- بگو به آن که با تفرقه‌افکنی، قصد جدایی ما را دارد: تو همچون بز کوهی هستی که به تخته‌سنگ‌ها شاخ می‌زند (قادر به جدایی ما نیستی). وای بر تو!

اسلام در میان ما، وحدتی همچون وحدت خدای رحمان ایجاد کرده است. پس به ریسمانی محکم چنگ زده‌ایم که آن، ریسمان برادری و ایمان است. *رصافی* با انتقاد از دین‌مآبانی که با تعصب بی‌جا و سختگیری و به نام دین، مانع از همبستگی و وحدت میان مردم می‌گردند، این امر را هدف و غایت دین الهی نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که رهاورد دین، سعادت و خوشبختی است و کسانی که سخنان بدون دلیل بر زنان می‌رانند، دچار نادانی و خیره‌سری هستند:

فَمَنْ قَامَ بِاسْمِ الدِّينِ يَدْعُو مَفْرَقًا      فَدَعَاؤُهُ فِي أَصْلِ الدِّيَانَةِ بُهْتَانٌ  
أَنْشَقَى بِأَمْرِ الدِّينِ وَهُوَ سَعَادَةٌ      إِذَا فَاتَّبَعَ الدِّينَ خُسْرَانٌ  
وَلَكِنَّ جَهْلَ الْجَاهِلِينَ طَحَا بِهِمْ      إِلَى كُلِّ قَوْلٍ لَمْ يُؤَيِّدْهُ بُرْهَانٌ

(همان: ۲۳۸/۲)

- هر کسی به نام دین، به سوی تفرقه فرا بخواند؛ پس دعوت او بهتانی به اصل دین است! آیا در حالی که دین، مایه سعادت است، ما به واسطه آن به بدبختی برسیم؟! در این صورت، پیروی از دین، (نه موجب سعادت) سبب زیان است. اما این نادانی نابخردان است که آنان را سوق می‌دهد به اینکه سخنی گویند که برهان و دلیلی، آن را تأیید نمی‌کند

### نتیجه بحث

ناگفته پیداست که یکی از سیاست‌های شوم دشمنان برای تسلط بر مسلمانان و تحقق نیرنگ‌های استعماری خود، ایجاد اختلاف و تفرقه در میان ملت‌های منطقه بوده است؛ به گونه‌ای که توانسته‌اند با سیاست اهریمنی «فرق تسد»، توطئه‌های خود را بر علیه مسلمانان عملی سازند و هرچه بیش‌تر، بر ممالک اسلامی و ذخائر آنان سیطره پیدا کنند. در این میان شاعران معاصر فارسی و عربی که تکلیف بیداری اسلامی را بر دوش خود احساس می‌کنند، تلاش کرده‌اند تا با سروده‌های خویش، مسلمانان را به اتحاد فراگیر فراخوانند.

در این مقاله به بررسی برخی شاعران معاصر دو زبان پرداخته شد که همگی آن‌ها بر نقش مهم وحدت، در مقابله با دشمن، تأکید داشتند:

- خلیل الله خلیلی و اقبال لاهوری، به شدت طرفدار وحدت اسلامی بوده و همه مسلمانان را همچون یک جسم و یک جان می‌دانند و باورها و عقاید مشترک آن‌ها را به عنوان محور و ارکان بنیادین اتحاد اسلامی معرفی می‌نمایند. در دیدگاه این دو، مرز و بوم جغرافیایی و اعتقاد به رنگ و حسب و نسب و قومیت، ترفندهای استعماری است که اسلام بر همه آن‌ها خط بطلان کشیده و تنها معیار واقعی را همان ایمان دانسته است.

- دو شاعر بزرگ و متعهد عصر مشروطه، یعنی بهار و ادیب الممالک فراهانی نیز بر این باورند که باید با تکیه بر مشترکات و دوری جستن از عوامل تفرقه‌افکن، انسجام ملی و اسلامی را حفظ نمود؛ چراکه چنین امری موجب شاد نمودن جبهه دشمن و کُفر خواهد شد. طاهره صفارزاده نیز با گذر تاریخی از شخصیت‌های اسلامی، به اهمیت وحدت پرداخته و نقش مهم آن را در مبارزات انقلاب اسلامی ایران بیان می‌دارد.

- در شعر معاصر عرب، سرایندگانی همچون عبدالمحسن کاظمی و غلایینی، با نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی، امت اسلامی را یک پیکره واحد می‌دانند که تفرقه و جدایی، موجب ضعف آنان خواهد شد.

- همچنین اتحاد در اشعار محمد حسین فضل الله و معروف رصافی، همانند شاعران پیشین، از عوامل مهم پیروزی و غلبه بر دشمنان مطرح شده است. آنان وحدت را نیرویی برای هر ملتی دانسته و تفرقه را بیماری گشوده‌ای برای آن ارزیابی می‌کنند.



## کتابنامه

### قرآن کریم

- بهار، محمد تقی. ۱۳۵۴ش، **دیوان اشعار**، تهران: امیرکبیر.
- خلیلی، خلیل الله. ۱۳۷۸ش، **دیوان**، با مقدمه محمد سرور مولائی، چ ۱، تهران: انتشارات عرفان.
- خمینی، روح الله. ۱۳۸۷ش، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۹ش، **لغت نامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- الرصافی، معروف. ۱۹۹۹م، **دیوان الرصافی**، بیروت: دار المنتظر.
- رمضانی، عباس. ۱۳۸۳ش، **سید جمال الدین اسدآبادی**، تهران: ترفند.
- صفارزاده، طاهره. ۱۳۶۵ش، **بیعت با بیداری**، چ ۳، شیراز: انتشارات نوید.
- صفارزاده، طاهره. ۱۳۸۴ش، **دیدار صبح**، تهران: پارس کتاب.
- غسان بن جدو. ۲۰۰۱م، **خطابات الإسلامیین والمستقبل**، ط ۳، بیروت: دار الملائک.
- الغلابینی، مصطفی. ۱۹۱۱م، **أریح الزهر**، بیروت: مکتبة الأهلیة.
- الغلابینی، مصطفی. ۱۹۹۳م، **دیوان الغلابینی**، ط ۱، صیدا- بیروت: المکتبة العصرية.
- غیاض، محسن. ۲۰۰۸م، **شاعر العرب عبدالمحسن الکاظمی**، ط ۱، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- فراهانی، ادیب الممالک. ۱۳۸۶ش، **زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی (شعر)**، جلد ۲، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی.
- فضل الله، محمدحسین. ۲۰۰۱م، **قصائد للإسلام والحیة**، ط ۲، بیروت: دار الملائک.
- الکاظمی، عبدالمحسن. ۱۹۴۰م، **دیوان الکاظمی**، دمشق: بی نا.
- لاهوری، اقبال. ۱۳۸۷ش، **کلیات اقبال لاهوری**، به سعی و اهتمام پروین قائمی، چ ۳، تهران: نشر پیمان.
- محرم، أحمد. ۱۹۶۳م، **دیوان**، مصر: دار الکتب العربیة.
- ولایتی، علی اکبر. ۱۳۸۴ش، **فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم: نشر معارف.

### مقالات

- اقبال، ماجد. ۱۳۶۵ش، «**اقبال، اتحاد عالم اسلام و جهان سوم**»، در شناخت اقبال: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال لاهوری، صص ۳۹-۴۶.
- امیری خراسانی، احمد و عبدالحمید احسانی. ۱۳۹۳ش، «**مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری**»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، ش ۱۱، صص ۱-۲۴.

- ایرانی، مصیب. ۱۳۸۸ش، «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم.
- آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی و ابراهیم ناطق تجرق. ۱۳۹۳ش، «التزام دینی در شعر معاصر عربی(بررسی موردی شعر معروف رصافی)»، فصلنامه ادبیات دینی، دوره ۳، ش ۷، صص ۳۳-۵۲.
- توانا، محمدعلی. پاییز و زمستان ۱۳۸۵ش، «اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۳.
- حاتمی، حافظ و دیگران. ۱۳۸۸ش، «رویکرد اجتماعی شعر ادیب الممالک فراہانی»، جستارهای ادبی(دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)، ش ۱۶۴، صص ۱۶۱-۱۹۳.
- زینی‌وند، تورج و دیگران. ۱۳۹۵ش، «بن‌مایه‌های ادب پایداری در شعر شاعران مسیحی فلسطین (مطالعه مورد پژوهش: کمال ناصر)»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، ش ۱۵، صص ۲۲۹-۲۵۶.
- سامخانی، علی اکبر و سیده طیبه مدنی ایوری. ۱۳۹۵ش، «ابعاد اسلام‌گرایی در شعر طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، ش ۱۴، صص ۷۹-۹۸.
- غنی پور ملک‌شاه، احمد و دیگران. ۱۳۹۱ش، «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۴، ش ۷، صص ۱۳۹-۱۷۶.
- قاسمی، لیلا و محمد مظاهری. ۱۳۹۲ش، «وحدت اسلامی و نقش شعرای معاصر عرب در تحکیم آن»، نقد ادب معاصر عربی، سال سوم، پیاپی ۶، صص ۹۵-۱۲۱.

## Bibliography

Holy Quran.

Bahar, Mohammad Taqi 1975, Poetry Divan, Tehran: Amirkabir.

Khalili, Khalilollah 1999, Divan, with introduction by Mohammad Sarvar Molaei, V 1, Tehran: Erfan Publications.

Khomeini, Ruhollah 2008, Velayat-e Faqih, Tehran: Qadr Velayat Cultural and Artistic Institute.

Dekhoda, Ali Akbar. 1960, Dictionary, Tehran: University of Tehran.

Al-Rasafi, Maruf. 1999, Diwan al-Rasafi, Beirut: Dar al-Montazer.

Ramezani, Abbas 2004, Seyed Jamaluddin Asadabadi, Tehran: Tarfand

Saffarzadeh, Tahereh. 1986, Allegiance to Awakening, V3, Shiraz: Navid Publications.

- Saffarzadeh, Tahereh. 2005, morning visit, Tehran: Pars Ketab.
- Ghasan Bin Jadu, 2001, Islamic and Future Addresses, Vol. 3, Beirut: Dar al-Melak.
- Al-Ghalaini, Mustafa 1911, Arij Al-Zahr, Beirut: Maktaba Al-Ahliyah.
- Al-Ghalaini, Mustafa 1993, Diwan al-Ghalaini, v 1, Sayda-Beirut: Al-Maktabah al-Asriya.
- Ghiyas Mohsen, 2008, Arab poet, Abdul Mohsen Al-Kazemi, v1, Beirut: Al-Dar Al-Arabiya Lelmusuat
- Farahani, Adib al-Mamalik. 2007, Life and Poetry of Adib Al-Mamalik Farahani (Poetry), Volume 2, Tehran: Qadyani Publishing Institute.
- Fazlullah, Mohammad Hussein 2001, Poems of Islam and Life, Vol 2, Beirut: Dar al-Melak.
- Al-Kazemi, Abdul Mohsen 1940, Diwan al-Kazemi, Damascus: Bina.
- Lahouri, Iqbal. 2008, Generalities of Iqbal Lahouri, by the efforts of Parvin Ghaemi, v 3, Tehran: Peyman Publishing.
- Muharram, Ahmad. 1963, Diwan, Egypt: Dar al-Kitab al-Arabiya.
- Velayati, Ali Akbar 2005, Islamic Culture and Civilization, Qom: Maaref Publishing.

#### Articles

- Iqbal, Majed. 1986, "Iqbal, the Union of the Islamic World and the Third World", in Recognizing Iqbal: Proceedings of the World Congress in Honor of Allameh Iqbal Lahouri, pp. 39-46.
- Amiri Khorasani, Ahmad and Abdul Hamid Ehsani. 2014, "Components of Sustainability in Persian Poems of Allameh Iqbal Lahouri", Journal of Sustainability Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Year 6, Vol. 11, pp. 1-24.
- Irani, Masib. 2009, "Strategy of National Unity and Islamic Cohesion according to the view of Imam Khomeini (RA)", Quarterly Journal of Thought of Approximation, Year 5, Issue 18.
- Alboeyh Langroudi, Abdul Ali and Ebrahim Nategh Tajragh. 2014, "Religious Commitment in Contemporary Arabic Poetry (A Case Study of Rasafi's Famous Poetry)", Quarterly Journal of Religious Literature, Volume 3, Issue 7, pp. 33-52.
- Tavana, Mohammad Ali Fall and Winter of 2006, "Islam and Modernity in the Thought of Seyyed Jamaluddin Asadabadi", Political Science Research, No. 3, pp. 97-113.
- Hatami, Hafez and others. 2009, "Social Approach to the Poetry of Adib al-Mamalik Farahani", Literary Essays (former Faculty of Literature and Humanities), vol. 164, pp. 161-193.
- Zinivand, Touraj and others. 2016, "Principles of Sustainability Literature in the Poetry of Palestinian Christian Poets (Case Study: Kamal Nasser)", Journal of Sustainability Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Year 8, Vol. 15, pp. 229-256.
- Samkhaniani, Ali Akbar and Seyedeh Tayebeh Madani Ivani. 2016, "Dimensions of Islamism in Tahereh Saffarzadeh's Poetry", Journal of Sustainability Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Year 8, Vol. 14, pp. 79-98.
- Ghanipour Malekshah, Ahmad and others. 2012, "Analysis of the components of sustainability literature in the poems of Tahereh Saffarzadeh", Journal of Sustainability Literature, Faculty of Literature and Humanities - Shahid Bahonar University of Kerman, Volume 4, Issue 7, pp. 139-176.

Ghasemi, Leila and Mohammad Mazaheri. 2013, "Islamic Unity and the Role of Contemporary Arab Poets in Consolidating It", Critique of Arabic Contemporary Literature, Third Year, 6, pp. 95-121.



## **Unity; Discourse in the Context of Sustainability Literature; with a Reflection on Persian and Arabic Contemporary Poetries**

**Farooq Nemati**

Associate Professor, Faculty Member, Arabic Language and Literature,  
Payam e Noor University

### **Abstract**

Invitation to national unity and cohesion is one of the main themes in sustainability literature. Therefore, one of the most important discourses among the poets of the Islamic awakening in Persian and Arabic contemporary poetry is the issue of unity and public invitation to solidarity and the formation of a single line against the enemies. This important socio-political category, the main sources of which are the guidelines of Holy Quran and the hadiths of the Prophet (PBUH), is widely reflected in the contemporary period and in the poems of bilingual poets; In a way, these poets consider the factor of unity in religious and national fields as one of the main factors of victory and success of Muslims in their political and social arenas. In this article, we will examine and analyze their views on the issue of unity by passing over the poems of the most important Persian and Arabic contemporary poets in the field of sustainability literature. The approach of this research shows that these poets, while enumerating the dangers of division, consider unity in its two Islamic and national spheres as the basis for achieving goals and defeating the conspiracies and plans of the enemy.

**Keywords:** Holy Quran Unity Contemporary Poetry Sustainability Literature Comparative Literature.